و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است و [در فرا رسیدن‌] قیامت هیچ شکى نیست، هنگامى که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع مى‌کردند، پس [عده‌اى ]گفتند: «بر روى آنها ساختمانى بنا کنید، پروردگارشان به [حال‌] آنان داناتر است.» [سرانجام‌] کسانى که بر کارشان غلبه یافتند گفتند: «حتماً بر ایشان معبدى بنا خواهیم کرد.» (21) به زودى خواهند گفت: «سه تن بودند [و] چهارمین آنها سگشان بود.» و مى‌گویند: «پنج تن بودند [و] ششمین آنها سگشان بود.» تیر در تاریکى مى‌اندازند. و [عده‌اى‌] مى‌گویند: «هفت تن بودند و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگارم به شماره آنها آگاه‌تر است، جز اندکى [کسى شماره‌] آنها را نمى‌داند.» پس در باره ایشان جز به صورت ظاهر جدال مکن و در مورد آنها از هیچ کس جویا مشو. (22) و زنهار در مورد چیزى مگوى که من آن را فردا انجام خواهم داد. (23) مگر آنکه خدا بخواهد، و چون فراموش کردى پروردگارت را یاد کن و بگو: «امید که پروردگارم مرا به راهى که نزدیکتر از این به صواب است، هدایت کند.» (24) و سیصد سال در غارشان درنگ کردند و نه سال [نیز بر آن‌] افزودند. (25) بگو: «خدا به آنچه درنگ کردند داناتر است. نهان آسمانها و زمین به او اختصاص دارد. وه! چه بینا و شنواست. براى آنان یاورى جز او نیست و هیچ کس را در فرمانروایى خود شریک نمى‌گیرد.» (26) و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحى شده است بخوان. کلمات او را تغییردهنده‌اى نیست، و جز او هرگز پناهى نخواهى یافت. (27)